موضوع تحقیق:

مسئله صحیح و اعم وتاثیر آن در استنباط فقهی

استاد راهنما:

استاد سجادی

پژوهشگر:

امید کاظمی

مقطع تحصیلی:

پایه 5

درس پژوهشی:

اصول

مرکز آموزشی:

مدرسه علمیه علوی قم

سال تحصیلی:

1398-1399

****

**تقدیر و تشکر**

با تقدیر و تشکر از همه کسانی که مرا در جمع آوری و گرد آوری این پژوهش کمک کرده اند مخصوصا استاد عزیز حضرت حجت السلام و المسلمین سجادی این پژوهش نا قابل را تقدیم می کنم به مادر سادات حضرت فاطمه زهرا) سلام الله علیها (و حضرت بقیه الله ) علیه السلام )

**چکیده**

علمای اسلام اعم از شیعه و سنی ، از بحث صحیح و اعم بحث کرده اند و نظرات مختلفی در مورد آن داشته اند . صحیح در لغت به معنای سالم و در اصطلاح به معنای تام الاجزاء و الشرائط است و اعم در مقابل اخص به معنای تام الاجزاء و الشرائط و ناقص الاجزاء و الشرائط می باشد . اصولیون در این رابطه بحث کرده اند که الفاظ عبادات یا معاملات آیا برای صحیح آنها وضع شده است یا اعم از صحیح و فاسد برای مثال آیا منظور شارع از ماموربه صلاة ، صلاة تام الاجزاء و الشرائط است یا نه اعم از آن است و همچنین از طرف دیگر آیا این بحث در معاملات جا دارد یا ندارد .

ثمره بحث در این است که اگر کسی قائل به اعم باشد در مواضع شک می تواند به اصالة الاطلاق رجوع کند ولی در مقابل شخصی که قائل به صحیح باشد نمی تواند از اصالة الاطلاق استفاده کند و باید به سراغ ادله دیگر برود .

کلید واژه: صحیح – اعم – حقیقت شرعیه – حقیقت متشرعه

Contents

[**فصل اول : کلیات** 2](#_Toc36239029)

[**گفتار اول:حقیقت شرعیه و متشرعیه** 2](#_Toc36239030)

[**گفتار دوم:تحریر محل نزاع** 3](#_Toc36239031)

[گفتار سوم:صحیح و اعم 3](#_Toc36239032)

[**فصل دوم : ارتباط حقیقت شرعیه با صحیح و اعم** 4](#_Toc36239033)

[**گفتاراول:دیدگاه اول** 4](#_Toc36239034)

[**گفتار دوم:دیدگاه دوم** 5](#_Toc36239035)

[**فصل سوم : ثمره و نتیجه صحیح و اعم** 6](#_Toc36239036)

[**گفتار اول:ظهور ثمره نزاع در بحث نذر** 6](#_Toc36239037)

[**گفتار دوم:ظهور ثمره نزاع در وجوب سوره در نماز** 6](#_Toc36239038)

[**فصل چهارم : اقوال و ادله** 7](#_Toc36239039)

[گفتار اول:قسم اول 7](#_Toc36239040)

[**گفتاردوم:قسم دوم: صحیح و اعم در عبادات** 8](#_Toc36239041)

[**نتیجه گیری** 10](#_Toc36239042)

[**منابع** 11](#_Toc36239043)

**مقدمه**

اکثر اصولیین قبل از ورود به مباحث اصلی علم اصول ، مباحثی را بعنوان مقدمه مطرح می کنند زیرا آن مباحث را جزء علم اصول نمی دانند و جایگاه اصلی آن بحث ها را در علوم دیگر مانند ادبیات می دانند اما چون در آن علوم به این مباحث یا به صورت مختصر پرداخته شده یا اصلا پرداخته نشده است ، اصولیون این بحث ها را به عنوان مبادی علم اصول ذکر می کنند .

یکی از مسائل مبادی علم اصول ، بحث صحیح و اعم است و به این دلیل به آنها مبادی گفته می شود که در طریق استنباط حکم شرعی کاربرد ندارند اما در فهم معانی و خطابات شارع کاربرد بسیار دارند .

بعد از دانستن جایگاه بحث صحیح و اعم در علم اصول به بیان محل نزاع در آن می پردازیم که عبارت است از اینکه اصولیون اختلاف کرده اند که اوامر شارع برای صحیح یعنی تام الاجزاء و الشرائط وضع شده اند یا برای اعم از صحیح و فاسد ؟ که در این مقاله به این بحث می پردازیم .

# **فصل اول : کلیات**

## **گفتار اول:حقیقت شرعیه و متشرعیه**

این مسئله را در کتب متداول اصولی در مقدمه علم اصول بحث می کنند و ما قبل از اینکه تعریف حقیقت شرعیه و متشرعیه را بیان کنیم ، تقسیمی از الفاظی که در شریعت وارد شده اند را مطرح می کنیم تا با دید بهتری وارد بحث شویم :

الفاظی که در لسان شارع به کار رفته بر دو قسم است :

قسم اول ) معاملات : این الفاظ در قبل از اسلام معانی داشتند که مساوی بود با بعد از اسلام مانند : بیع ، نکاح ، صلح و اجاره و ....

قسم دوم ) عبادات : این الفاظ دو خصوصیت دارند :

1 – بلاشک این الفاظ دارای معانی مخصوص شرعی هستند مثلا صلاة برای ارکان مخصوصه است و همچنین صوم و حج .

2 – این الفاظ در لغت قبل از اسلام معنای متفاوتی داشتند مثلا صلاة به معنای دعا و حج به معنای قصد و .... بوده است .

اگر بخواهیم تعریفی از حقیت شرعیه و متشرعیه ارائه دهیم می توانیم اینطور بگوییم که در الفاظ عبادات ، اگر انتقال لفظ از معنای لغوی به معنای شرعی در زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله باشد به آن لفظ حقیقت شرعیه می گویند و اگر بعد از زمان ایشان باشد به آن حقیقت متشرعیه می گویند .

همان طور که در تعریف ذکر شد ، الفاظ معاملات از بحث حقیقت شرعیه خارج هستند و ما از الفاظ معاملات در حقیقت شرعیه بحث نمی کنیم .

## **گفتار دوم:تحریر محل نزاع**

محل نزاع در بحث حقیقت شرعیه این است که انتقال الفاظ از معانی لغوی به معانی شرعی آیا در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم واقع شده یا پس از ایشان ؟ و در نتیجه الفاظی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در معانی شرعیه به کار رفته اند استعمال مجازی خواهند بود .

در فرض اول که نقل در زمان پیامبر رخ داده باشد تفاوتی ندارد که به وضع تعیینی باشد یعنی خود شارع این الفاظ را صریحا برای معنای جدید وضع کرده باشد یا به وضع تعینی باشد یعنی شارع الفاظ را در معانی جدید صرفا استعمال کرده ولی بر اثر کثرت استعمال بین مسلمین در همان زمان در معانی جدید حقیقت شده است .

## گفتار سوم:صحیح و اعم

برای بیان تعریف این دو اصطلاح ابتدا به بیان تعریف لغوی و اصطلاحی صحیح و فاسد می پردازیم .

معنای لغوی صحیح را سالم و بی عیب و معنای فاسد را معیب و ناقص می توانیم بگوییم اما تعریف اصطلاحی بدین شرح است :

صحیح : تام الاجزاء و الشرایط یا مسقط اعاده در وقت و قضا در خارج از وقت است .

فاسد : ناقص الاجزاء و الشرائط

پس از بیان معنای صحیح و فاسد ، اعم را این طور می گوییم که هم شامل صحیح و هم شامل ناقص می شود .

تحریر محل نزاع

در محل نزاع در بحث صحیح و اعم سوال ما این است که آیا این الفاظ برای عبادت یا معامله ی صحیح وضع شده اند یا عبادت یا معاله ای که اعم از صحیح و فاسد باشد؟

به عبارت واضح تر و دقیق تر اینگونه بیان می کنیم که هرگاه مولا شخصی را به عملی امر کند و آن شخص شک داشته باشد در مامور به که آیا با انجام فلان عمل ، امر مولا را امتثال کرده یا نه این شک به 2 صورت قابل تصور است و حکم هریک متفاوت است :

1 . انسان علم به مامور به دارد از حیث موضوع و افراد مامور به ( مصادیق ) را نیز میشناسد اما شک دارد در یک قید زاید در مامور به : مثلا در« اعتق رقبه » ما شک می کنیم که آیا قید زاید

« ایمان داشتن » نیز شرط است و در نظر مولا بوده است یا نه ؟

در این صورت وظیفه ی مکلف ، رجوع به اصاله الاطلاق است که با این اصل اعتبار قید زاید نفی میشود و می گوییم که چون کلام مولا مطلق است و قیدی نیاورده است و هم چنین در مقام بیان بوده است پس مطلق است و قید زائد مومن بودن نفی می شود و امر مولا با عتق رقبه غیر مومنه هم امتثال می شود .

2 . علم به مامور به دارد از حیث موضوعی اما شک در افراد و مصادیق آن موضوع را دارد

مثلا نمی داند که موضوع ما که « رقبه » است ، مصداقش « زید » می باشد یا نه ؟ مثلا نمی دانیم که « صعید » مصداقش آجر نیز است یا نه ؟

در این صورت تمسک به اصاله الاطلاق جایز نیست و نمی توان با این اصل این شک و اجمال را برطرف کرد چون اصاله الاطلاق ربطی به صدق موضوع بر مصداق ندارد و این ربطی به کلام مولا ندارد پس باید به اصول عملیه ی دیگر مانند احتیاط یا برائت استناد کرد .

# **فصل دوم : ارتباط حقیقت شرعیه با صحیح و اعم**

پس تعریف مصطلحات حقیقت شرعیه و متشرعیه و همچنین صحیح و اعم و تبیین محل نزاع در آنها و قبل از بیان اقوال نظر مختار در این بحث ، بحثی را مطرح می کنیم به این عنوان که دو مبحث حقیقت شرعیه و صحیح و اعم چه ارتباطی با یکدیگر دارند ؟ که این بحثی است اصولیون به آن پرداخته اند و در ارتباط این دو مبحث با هم دو دیدگاه مطرح است .

**گفتاراول:دیدگاه اول**

باید قائل به حقیقت شرعیه باشیم تا بتوانیم وارد بحث صحیح و اعم بشویم .

دلیل دیدگاه اول

بحث صحیح و اعم فرع ثبوت حقیقت شرعیه است یعنی اکر قادل به حقیقت شرعیه باشیم یعنی قبول کردیم در نزد شارع این الفاظ برای معانی جدید وضع شده اند این سوال معقول است آیا این الفاظ در نزد شارع برای عمل صحیح وضع شده اند یا اعم از صحیح و فاسد اما اگر قائل به حقیقت شرعیه نباشیم و وضع عند الشارع را نپذیریم دیگر معنایی ندارد که سوال کنیم این الفاظ در نزد شارع برای صحیح اش وضع شده اند یا اعم چرا که شارع اصلا وضعی برای ما نکرده است .

## **گفتار دوم:دیدگاه دوم**

در هر دو صورت می توانیم وارد بحث صحیح و اعم شویم

دلیل دیدگاه دوم :

ما در صحیح و اعم دنبال این هستیم که الفاظ شرعیه عند الشارع در معنای صحیح استعمال شده است یا اعم از آن ، حال این جواب سوال را از 2 راه می توان کشف کرد :

1 . اگر قائل به حقیقت شرعیه باشیم واضح است که سوال می کنیم آیا برای عمل صحیح وضع شده است یا اعم ؟

2 . اگر قائل به حقیقت شرعیه نباشیم یعنی در نزد متشرعه حقیقت شده اند. سوال میکنیم در نزد متشرعه برای صحیح وضع شده اند یا اعم ؟

چه برای صحیح وضع شده باشند و چه برای اعم از صحیح و فاسد از طریق رسیدن به علت از طریق معلول کشف می کنیم که در نزد شارع هم در همان معنا به کار می رفته است زیرا وضع متشرعه تابع استعمال شارع است لکن در زمان شارع به صورت مجازی استعمال میشده اما در زمان متشرعه در معنای حقیقی استعمال میشده است و **چون بحث صحیح و اعم ، اعم از حقیقت و مجاز است و حتما نباید وضع حقیقی داشته باشیم تا در باره ی صحیح و اعم اش بحث کنیم .**

# **فصل سوم : ثمره و نتیجه صحیح و اعم**

همان طور که در تحریر محل نزاع صحیح و اعم در فصل اول اجمالا فهمیدیم ثمره اصلی این بحث در جریان اصالة الاطلاق است زیرا اگر قائل به صحیح باشیم هنگام شک در جزئیت یا شرطیت یک شیء برای یک ماهیت ، اصالة الاطلاق را نمی توانیم جاری کنیم اما اگر قائل به اعم باشیم می توانیم اصالة الاطلاق را جاری می کنیم .

در این فصل می خواهیم به ذکر دو نمونه از ظهور ثمره این بحث در فقه بپردازیم :

## **گفتار اول:ظهور ثمره نزاع در بحث نذر**

هنگامی که فردی نذر کند به شخصی که نماز می خواند یک درهم بدهد : در این صورت ، بنابر قول اعم چنانچه درهم را به فردی که نماز باطل می خواند نیز بدهد به نذرش عمل کرده است اما بنابر قول صحیح در این مورد به نذر عمل نکرده است و فقط در صورتی که درهم را به کسی که نماز صحیح می خواند بدهد به نذرش عمل نموده است .

البته در اینکه این بحث واقعا از ثمرات صحیح و اعم است اختلاف است اما برخی این را به عنوان ثمره ذکر کرده اند .

## **گفتار دوم:ظهور ثمره نزاع در وجوب سوره در نماز**

اگر ما شک داشته باشیم که مولا به صلاة با سوره یا صلاة بدون سوره امر کرده است ، در حقیقت شک داریم که مامور به ما صلاة با سوره است یا صلاة بدون سوره ، حال کسی که قائل به اعم باشد نظرش این است که نماز بدون سوره و لو در واقع فاسد هم باشد ، صلاة است چون اعمی است و یقین دارد که صلاة بدون سوره هم صلاة اطلاق میشود پس « اقم الصلاة » شامل صلاة بدون سوره هم میشود و فقط شک دارد در قید زاید یعنی لزوم سوره که در این صورت اصاله الاطلاق جاری میشود و نتیجه میگیریم که صلاة بدون سوره هم کافی است و بعد از جاری کردن اصاله الاطلاق اگر نماز را بدون سوره هم بخواند تکلیف مولا را امتثال کرده و از عهده ی او خارج شده است .

 اما اگر فرد قائل به صحیح باشد ، در نظر او صلاة برای تام الاجزاء و الشرایط وضع شده است یعنی وقتی شارع گفته است « اقم الصلاة » و ما شک می کنیم که بر صلاة بدون سوره، صلاة صدق میکند یا نه ؛ 2 نتیجه میگیریم :

1 . شک ما در حقیقت بر میگردد به این که صلاة بدون سوره صلاه است یا نه .

2 . وقتی نمی دانیم بر صلاه بدون سوره ، صلاه صادق است یا نه ؛ در حقیقت شک میکنیم که اگر صلاه بخوانیم آیا امر مولا را امتثال کرده ایم یا نه .

در نتیجه چون شک ما در مکلف به است جایگاه احتیاط است و باید نماز با سوره بخوانیم و وجوب سوره اثبات می شود .

# **فصل چهارم : اقوال و ادله**

همان طور که در فصل اول گفته شد ، الفاظ شرعیه به دو قسم معاملات و عبادات تقسیم می شوند و ما در این فصل صحیح و اعم را در هر دو قسم بررسی می کنیم :

## گفتار اول:قسم اول

صحیح و اعم در معاملات

معاملات به دو قسم عقود و ایقاعات تقسیم می شوند :

عقود : یعنی معامله ای که به دو لفظ از دو طرف نیازمند است مثل بیع

ایقاع : یعنی معامله ای که نیاز به 1 لفظ از یک طرف دارد و نظر طرف مقابل تاثیری ندارد. مثل طلاق یا مثل عتق و دیگر نیازی به طرف مقابل ندارد.

همان طور که در فصل اول بیان شد بحث صحیح و اعم در جایی فرض میشود که ماهیت مرکبه یعنی ذوالاجزاء و الشرائط باشد و صحیح یعنی مرکب تام الاجزاء و الشرایط و اعم یعنی مرکبی که چه تام باشد و چه ناقص الاجزاء باشد .

در معاملات اعم از عقود و ایقاعات با انشاء لفظ و صیغه 2 حقیقت در خارج وجود دارد :

1 . سبب : یعنی الفاظ صیغه ی عقد یا ایقاع که دارای معنای خاصی است مانند : بعتُ

2 . مسبب : یعنی حقیقت و معنایی که پس از اجرای صیغه ایجاد میشود. مانند « ملکیت برای فرد جدید » یا « علقه ی زوجیت بین 2 فرد »

در فقه ، بین فقهاء اختلاف است آیا صیغه ی عقد وضع شده است برای سبب یا برای مسبب

مثلا « بعت » یعنی « فروختم » یا یعنی « ایجاد ملکیت کردم » ؟؟؟

نتیجه :

اگر قائل شویم الفاظ معاملات برای سبب وضع شده اند بحث صحیح و اعم در ما جاری است و اگر قائل شویم برای مسبب وضع شده اند یحث صحیح و اعم برای آنها جاری نیست زیرا الفاظ سبب ، الفاظ مرکبه هستند و صحت و فساد در آنها معنا دارد و می توان صیغه ی بیع را به صحیح و فاسد تقسیم کرد اما اگر برای مسبب وضع شده باشند مسبب در حقیقت یک صفت بسیطه است مانند : ملکیت یا زوجیت و بحث در وجود و عدم آنهاست و چون ذو الاجزاء و الشرائط نیستند بحث صحیح و اعم در آن جاری نمی شود .

## **گفتاردوم:قسم دوم: صحیح و اعم در عبادات**

بحث صحیح و اعم در عبادات از دیرباز مورد بحث فقها و اصولیین قرار گرفته است و می توانیم بگوییم کل اقوال در این مورد شش قول می باشد که در اینجا به دو قول مشهور و ادله اجمالی آنها اشاره می کنیم :

قول اول : الفاظ عبادات برای صحیح وضع شده اند :

دلیل این قول بصورت مفصل در کتاب کفایة الاصول ذکر شده است و ما در اینجا بصورت اجمالی به دلیلی که آیت الله سبحانی (زیدعزه) در کتاب الموجز ذکر کرده اند اشاره می کنیم :

صلاة ماهیتی اعتباری است که شارع آنرا برای آثار خاصی که در کتاب و سنت ذکر شده است ، وضع نموده مثلا ناهی بودن صلاة از فحشاء و منکر و همچنین معراج مومن بودن و ... اشاره کرد . این آثار فقط بر صلاة صحیح بار می شود و صلاة فاسد این آثار را در پی ندارد .

به عبارت دیگر آنچه که شارع را به وضع یک ماهیت ترغیب می کند ، آثار آن است و ما اگر بگوییم صلاة برای فاسد هم وضع شده است امری لغو است که آثاری ندارد و شارع امر لغو را از ما نمیخواهد و صلاة فاسد مسقط اعاده و قضا نیست .

قول دوم : الفاظ عبادات برای اعم ازصحیح و فاسد وضع شده اند

برای اعمی ها چهار دلیل ذکر شده است :

1 . تبادر : مثلا اگر کسی بگوید « زید یصلی» آنچه به ذهن تبادر میکند مطلق صلاة است ؛ جه آن صلاة صحیح باشد و چه نباشد.

2 . عدم صحت سلب از فاسد : اگر نمازی فاسد باشد نمی توان گفت « إنها لیست بصلاة » بلکه میگوییم « إنها صلاة فاسده »

3 . صحت تقسیم : یعنی می توان الفاظ شرعی را به صحیح و فاسد تقسیم کرد و در منظق در تقسیم خوانده ایم که « مقسم » در همه ی اقسام موجود است پس صلاة فاسده هم ، صلاة است.( بازگشت به صحت حمل )

4 . استناد به روایات : در بسیاری از روایات معصومین برای اعمال شرعیه فاسده به کار رفته است : مانند کلام امام نسبت به کسی که صلاه را درست نخوانده است که می گوید « تعید الصلاة »

# **نتیجه گیری**

واضح شد که بحث صحیح و اعم نیازمند تامل بیشتری است تا به نتیجه درست برسیم اما از بین ادله ی مطروحه ، قول اعم بهتر به نظر می رسد .

# **منابع**

1. مظفر ، محمدرضا ، اصول فقه ، طبع انتشارات اسلامی ، قم
2. سبحانی تبریزی ، جعفر ، الموجز فی اصول الفقه ، موسسة الامام الصادق ، چهاردهم ، قم
3. سبحانی تبریزی ، جعفر ، الوسیط فی اصول الفقه ، 1388 ، موسسة الامام الصادق ، چهارم ، قم
4. آخوند خراسانی ، محمد کاظم بن حسین ، کفایة الاصول ، موسسه آل البیت ، قم
5. سایت حوزه ، حوزه علمیه قم ، [www.howzeh.com](http://www.howzeh.com)